نصب علائم هشداری برای نقاط پر خطر جاده‌ها در نوروز

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی گفت: نقاط پرخطر جاده‌ها و معابر برای رانندگان در نوروز با چراغ راهنما و نصب علائم هشدار دهنده مشخص می‌شود.

سردار تقی مهری با اشاره به اینکه حدود ۳ هزار و ۲۰۰ نقطه حادثه‌خیز در معابر و جاده‌ها شناسایی شده‌اند، گفت: یکی از اقداماتی که در آستانه نوروز و طرح نوروزی انجام داده‌ایم، شناسایی نقاط پرخطر و حادثه‌خیز با همکاری راهداری بوده است که ما به دنبال این هستیم تا با آشکارسازی و نصب علائم، این نقاط را به رانندگان هشدار دهیم.

وی درباره معیار شناسایی نقاط حادثه‌خیز در جاده‌ها نیز گفت: در سال‌های گذشته چنانچه حداقل یک تصادف حادثه‌ساز و منجر به فوت در آن رخ داده باشد، به عنوان نقاط حادثه‌خیز شناسایی می‌شود.

مرگ ۲ کودک در انفجار خانه

انفجار ساختمان مسکونی در شهرستان مشهد جان دو کودک را گرفت.

این حادثه ساعت ۱۱ روز پنج‌شنبه در یکی از ساختمان‌های مسکونی خیابان طبرسی این شهر اتفاق افتاد.

وقتی آتش‌نشانان در محل حاضر شدند، معلوم شد که ساختمان دو طبقه که دو خانواده در آن زندگی می‌کردند، به علت وقوع انفجار تخریب شده است. امدادگران بعد از ایمن کردن محل، شروع به جست‌وجو میان آوار کردند و دو زن و دو کودک را خارج کردند. بررسی‌های بعدی نشان داد که دو کودک سه و ۱۱ ساله به علت شدت جراحت فوت شده‌اند و مادرانشان که دچار جراحت شده بودند به بیمارستان منتقل شدند.

مهدی رضایی، معاون عملیات سازمان آتش‌نشانی مشهد گفت: علت این حادثه در دست بررسی است.

دستگیری قاتل برازجانی ۴۸ ساعت پس از حادثه

اختلاف مالی دو دوست قدیمی در شهرستان برازجان استان بوشهر به قتل یکی از آنها ختم شد.

فرمانده انتظامی استان بوشهر با اعلام این خبر گفت: شامگاه ۱۶ اسفندماه مأموران پلیس برازجان از گم شدن ناگهانی مرد جوانی با خبر شدند و تحقیقات درباره این حادثه را آغاز کردند.

بررسی‌های مأموران نشان داد مرد جوان شامگاه ۱۶ اسفندماه به خانه باغ یکی از دوستانش در جاده شاهزاده ابراهیم رفته است تا درباره اختلاف مالی‌شان با هم صحبت کنند. مأموران در نخستین گام به دوست مرد گمشده مظنون شدند و وی را بازداشت کردند و مورد بازجویی قرار دادند. مأموران در تحقیقات فنی دریافتند میزبان پس از مشاجره لفظی ناگهان با کلت کمری مهمان را به قتل می‌رساند و پس از قتل، جسد وی را در خانه باغ خود دفن می‌کند.

سردار عباس‌زاده افزود: متهم پس از ۴۸ ساعت به قتل دوستش با کلت کمری اعتراف کرد و جسد مقتول هم کشف شد.

تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

اسیدپاشی روی پدر زن

داماد خطاکار گیلانی که با همسرش اختلاف داشت، روی پدر زنش اسید پاشید.

مدیر روابط عمومی دادگستری استان گیلان با اعلام این خبر گفت: چند روز قبل مأموران از اسیدپاشی روی مردی در شهرستان رشت با خبر شدند.

بررسی‌ها نشان داد مردی که با همسرش اختلاف داشته به خانه پدر زنش رفته و روی او اسیدپاشیده است.

محمد رحیمی افزود: متهم پس از حادثه دستگیر و روانه زندان شد و تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد. به گفته وی قربانی اسیدپاشی پس از حادثه برای درمان به بیمارستان سوانح سوختگی رشت منتقل و مشخص شد وی در این حادثه دچار ۳۰ درصد سوختگی شده است.

گزارش
حسین فصیحی

دادگاه ایرانی دولت امریکا را از قتل دختر معلول ایرانی تبرئه کرد

دادگاه حقوقی ویژه امور بین‌الملل تهران ۲۰ سال پس از قتل دختر معلول ایرانی در خاک امریکا رأی به برائت آن کشور از اتهام وارد شده داد.

دکتر مینا پورزندوکیل مادر مریم، دختری معلول که ۲۰ سال قبل به طرز مرموزی در امریکا به قتل رسید، بعد از اعلام شکایت برای رسیدگی به قتل فرزندش، درخواست خسارت ۱۳۲ میلیارد دلاری را از دولت امریکا مطرح کرده بود. خسارت ۱۳۲ میلیاردی به علت اخطار قبلی به دادستان امریکا در مورد قضات، پلیس و پزشکان آن کشور بود که زمینه جنایت را رقم زده‌اند. این مادر سختکوش بعد از سال‌ها پیگیری پرونده در دستگاه قضایی ایران و امریکا تلاش کرد نماینده دولت امریکا را به پای میز محاکمه بکشاند. پس از سال‌ها تلاش، جلسه رسیدگی بدون حضور نماینده‌ای از کشور امریکا در شعبه ۵۵ دادگاه حقوقی ویژه امور بین‌الملل تهران تشکیل شد. دادگاه اما برای اطمینان از اینکه آیا مریم در آن کشور به قتل رسیده یا به به دلیل بیماری فوت شده، از کارشناس دادگستری در امور پزشکی استعلام کرد. براساس نظریه کارشناس، مریم به علت ناتوانی ناشی از مشکلات جسمی، بیماری صرع و عقب‌افتادگی ذهنی در مرکز درمانی در سنت‌پاول ایالت مینه‌سوتا امریکا نگهداری می‌شد و اول اکتبر سال ۱۹۹۶ در آن مرکز فوت کرد. پزشک معالج علت فوت را بیماری صرع تشخیص داده است. جسد مریم سپس به ایران منتقل و بدون انتقال به پزشکی قانونی در بهشت‌زهرا دفن شده است و دلایل کافی برای اثبات مرگ به علت دیگری وجود ندارد.

■ ابهام در علت فوت مریم

نظریه کارشناس با اعتراض مادر مریم به هیئت کارشناسی فرستاده شد. مادر مریم می‌گوید وقتی جسد دخترم به ایران منتقل شد، مومیایی بود و بررسی علت مرگ وی وجود نداشت. کارشناس مربوطه هم با استناد به مدارک بالینی وی که از امریکا ارسال شده بود، اعلام نظر کرده است. در اسناد پزشکی مریم علت فوت وی سفید گذاشته شده و اعلام هم نشده است و من به این نظریه اعتراض کردم. وقتی مادر مریم از پرداخت هزینه کارشناسی برای بررسی دوباره ممانعت کرد، دادگاه با استناد به نظر کارشناسی اولیه، درخواست مادر مریم را وارد ندانست.

■ ماجرای قتل مریم چه بود؟

مریم، دختری که در شش سالگی برای درمان معلولیتش به امریکا منتقل شده بود، اول اکتبر سال ۱۹۹۶ در حالی که ۳۶ ساله بود، به طرز مشکوکی در یک مؤسسه پیشرفته پزشکی به نام میوکلینیک در ایالت مینه‌سوتای امریکا فوت شد. مادر مریم در طرح شکایت خود اعلام کرد که دخترش پیش از مرگ مورد شکنجه قرار گرفته و براثر جراحت ناشی از آن جان خود را از دست داده است. او توضیح داد: مدتی قبل از حادثه دخترم را برای درمان به امریکا منتقل کردم. آنجا بود که گرفتار وکیلی شیاد شدم. وقتی متوجه شد که پول زیادی همراه دارم با توطئه‌چینی ابتدا با رأی دادگاه محلی شهر راچستر من را از حق سرپرستی دخترم محروم کرد. بعد از آن بود که پلیس دخترم را به یک مرکز خدمات اجتماعی منتقل کرد. او ادامه داد: این پایان ماجرا نبود؛ چراکه دولت متخاصم امریکا اموال میلیاردی‌ام را هم تصاحب کرد.

■ درباره معلولیت مریم

مادر مریم درباره بیماری دخترش توضیح داد: او در بدو تولد به علت انوکسی به فلج مغزی مبتلا شد. در ۱۱ ماهگی او را برای درمان به سوئیس منتقل کردم که فایده‌نداشت و به ایران برگشتم. در چهارسالگی‌اش بود که خبر دادند جراح خوبی از امریکا به یکی از بیمارستان‌های تهران آمده است. خودم را به او رساندم و پرونده پزشکی مریم را نشانش دادم. بعد از معاینه دخترم قول داد که با یک عمل جراحی می‌تواند قدرت راه رفتن را به او بازگرداند، اما این طور نشد و دخترم به بیماری صرع هم مبتلا شد. علت ابتلایش به صرع هم تزریق زیاد داروی بیهوشی به مریم بود. مشکلاتم چندبرابر شد و برای درمان یک بیماری تازه هم باید اقدام می‌کردم. دکتر پورزند وکیل ادامه داد: مریم شش ساله بود که تصمیم گرفتم برای درمانش راهی امریکا شوم. با هر سختی بود مریم را به آن کشور منتقل کردم و درمانش را در یک مرکز مداوای ضربه‌مغزی شروع کردم. با اجرای برنامه روزی شش ساعت ورزش‌های خاص انجام می‌شد به طوری که بعد از هفت ماه مریم موفق به راه‌رفتن شد.

■ دردسرهای تازه مادر مریم در سرزمین بیگانه

او می‌گوید: به خاطر مشکلاتی که در رفت و آمد به ایران داشتم، تصمیم به سرمایه‌گذاری در آن کشور گرفتم. بعد از مشاوره با یک وکیل سرمایه‌گذاری‌ام را شروع کردم. او وقتی متوجه میزان دارایی‌ام شد با همدستی یک پزشک اموالم را تصاحب کرد. برای این کار ابتدا با جعل اسناد پزشکی مدعی شد که به بیماری روانی مبتلا هستم. ارائه این سند به دادگاه منجر شد تا حق سرپرستی مریم از من سلب شود. دخترم به دستور قاضی به یک مرکز نگهداری از کودکان معلول منتقل شد و خودم هم در یک بیمارستان روانی بستری شدم. مدتی بعد که از بیمارستان خلاص شدم، فهمیدم که قاضی دادگاه کسی نیست جز همسر پزشکی که در تبانی با وکیل این مشکلات را برایم ایجاد کرده بود. مادر مریم گفت: وقتی به دیدن مریم رفتم، متوجه جراحت‌های زیادی در نقاط مختلف بدن او شدم. به خاطر اینکه دادگاه حق من را از سرپرستی دخترم محروم کرده بود، از دادستان کل کشور امریکا درخواست کمک کردم. همه اسنادی را که آن وکیل با همدستی قاضی و همسر پزشکش برایم ایجاد کرده بود، به دادستان دادم. بعد هم از آن مرکز به اتهام کودک آزاری شکایت کردم. وی ادامه داد: هر بار به دیدن دخترم می‌رفتم با زخم‌های تازه در بدنش مواجه می‌شدم. هدف آنها از جداکردن مریم از من شکنجه روحی‌ام بود تا روی عمل خلاف‌قانون میوکلینیک سرپوش بگذارم. تلاش‌هایم در دستگاه قضایی امریکا فرجامی نداشت و به ایران برگشتم.

■ درخواست کمک از پلیس بین‌الملل

بعد از آن راهی پلیس اینترپل شدم و درخواست استرداد دخترم را مطرح کردم. هنوز زمان زیادی نگذشته بود که خبر رسید مریم در امریکا فوت شده است. با پیگیری‌هایی که انجام دادم، جسد را به ایران منتقل کردم و با طرح شکایت در دادگاه لاهه درخواست غرامت ۱۳۲ میلیارد دلاری را مطرح کردم تا با دریافت آن پول را صرف کودکان معلول کشورم کنم. بعد از چند سال دوندگی در دادگستری تهران سرانجام دادخواستم علیه دولت متخاصم امریکا مورد قبول قوه قضائیه قرار گرفت و ۱۷ شکایت را علیه آن کشور مطرح کردم.

■ دردسرهای ناتمام مادر مریم در قوه قضائیه

در زمان ریاست آیت‌الله شاهرودی و به دستور ایشان شکایت‌های مطرح شده‌ام تجمیع شد و گزارش آن ۱۴ تیرماه سال ۸۳ روی میز رئیس وقت دادگستری استان تهران قرار گرفت. سرانجام ۱۲ مهرماه همان سال پرونده برای رسیدگی روی میز قاضی غلامرضا جعفری، رئیس شعبه ۱۰۱۷ دادگاه عمومی تهران قرار گرفت، اما وارد جریان رسیدگی نشد. هفت سال از آن زمان هم گذشت تا اینکه دست به دامان دادستان وقت کل کشور شدم. جالب است بدانید رئیس شعبه ۱۰۰۶ دادگاه عمومی جزایی تهران در پیگیری‌هایی که انجام دادم، خطاب به معاون قضایی رئیس کل دادگستری تهران نوشت که مادر مریم در همه پرونده‌های تشکیل شده در جایگاه شاکی حضور داشته و هیچ‌گاه علیه وی طرح شکایت صورت نگرفته است و اکثر پرونده‌های ایشان به حالت راکد مانده و رسیدگی اصولی صورت نگرفته است.

برای مادر سختکوش ایرانی این پایان ماجرا نبود؛ چراکه توانست مساعدت حجت‌الاسلام رئیسی، دادستان وقت کل کشور را برای به جریان افتادن رسیدگی به پرونده جلب کند. تیرماه سال ۹۲ برای مادر مریم روزی فراموش نشدنی بود؛ چرا که آن روز قاضی احمد اصانلو در شعبه ۵۵ دادگاه امور بین‌الملل مجتمع شهید بهشتی رسمیت جلسه را اعلام کرد. آن روز مادر مریم در جایگاه قرار گرفت و شکایت خود را از دولت امریکا مطرح کرد. از سوی دولت امریکا هیچ نماینده‌ای در جلسه دادگاه حاضر نشد. قاضی بعد از شنیدن اظهارات شاکی، ادامه جلسه رسیدگی را به روز دیگری موکول کرد. جلسه‌ای که ادامه برگزاری آن تا ۲۳ آبان ماه امسال به درازا کشید. رأی دادگاه اما چیزی نبود که مینا پورزند در سال‌های سختی که سپری کرده منتظرش بود؛ برائت دولت امریکا از اتهام قتل.

تبرئه دولت امریکا از قتل دختر ایرانی، اعتراض مادر مریم را به همراه داشت. درحال حاضر اعتراض وی در کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی هم در حال رسیدگی است.

بازگشت قاتل ناخلف به جامعه

پسر ناخلف که برای رسیدن به دختر مورد علاقه‌اش مادرش را به قتل رسانده بود با جلب رضایت اولیای دم از زندان آزاد شد.

به گزارش خبرنگار ما، اوایل سال ۸۴ مأموران پلیس از مرگ مشکوک زن میانسالی در شمال شهر باخبر و در محل حاضر شدند. جسد متعلق به زن ۵۰ ساله‌ای به نام لیلا بود که براثر مسمومیت با قرص سیانور کشته شده بود. دختر مقتول در حالی که گریه می‌کرد، گفت: ساعتی قبل وقتی وارد خانه شدم، دیدم مادرم در پذیرایی روی زمین افتاده است و هر چقدر او را صدا کردم، جوابی نشنیدم. جلوتر که رفتم متوجه شدم نفس نمی‌کشد. با نگرانی و ترس همه جا را گشتم، اما کسی در خانه نبود. بعد با اورژانس تماس گرفتم. امدادگران هم خودشان را به اینجا رساندند و بعد از معاینه گفتند که او فوت شده است و مرگش مشکوک است. او در ادامه گفت: من به برادرم مظنون هستم. زیرا او مدتی بود که به خاطر ازدواج با دختر مورد علاقه‌اش با پدر و مادرم اختلافات زیادی داشت. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، پسر ۲۵ ساله که سعید نام داشت مورد تحقیق قرار گرفت. او در بازجویی‌ها با اعتراف به قتل مادرش در شرح ماجرا گفت: مدتی قبل با دختری به نام فرشته آشنا و به او علاقه‌مند شدم به خاطر همین به او پیشنهاد ازدواج دادم. وقتی موضوع را با خانواده‌ام مطرح کردم، آنها مخالفت کردند و اصرار من هم فایده‌ای نداشت. شرایط خیلی سخت شده بود و از آن طرف فرشته اصرار می‌کرد تا هر چه زودتر به خواستگاریش بروم. وقتی تلاش‌هایم به نتیجه نرسید با فرشته مشورت کردم و تصمیم به قتل والدینم گرفتیم. روز حادثه وقتی مادرم از سر کار به خانه برگشت با قرص سیانور او را به قتل رساندم. سپس به پدرم زنگ زدم تا به بهانه‌ای از سر کار به خانه بیاید تا او را نیز به قتل برسانم، اما پدرم به خاطر مشغله کاری قبول نکرد و به خانه نیامد. من هم بعد از آنکه خودم را کنار جسد مادرم دیدم، ترسیدم و متواری شدم. بعد از توضیحات متهم ردیف اول بود که مأموران فرشته ۲۲ ساله را نیز به جرم معاونت در قتل شناسایی و دستگیر کردند. او نیز در جواب بازجویی‌ها با تأیید توضیحات سعید به جرمش اعتراف کرد و ماجرا را شرح داد. بعد از کامل شدن تحقیقات، فرشته به اتهام معاونت در قتل و سعید به اتهام قتل عمد روانه زندان شدند و این پرونده به شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در جلسه رسیدگی به پرونده اولیای دم درخواست قصاص کردند. سعید و فرشته در جریان محاکمه هم به قتل اقرار و ماجرا را شرح دادند. بعد از آخرین دفاع سعید به قصاص و فرشته به ۱۰ سال حبس محکوم شد. حکم دادگاه بعد از تأیید در دیوان عالی کشور در آستانه اجرا قرار داشت که متهم با جلب رضایت خواهرش و فوت مادربزرگش به ادامه زندگی امیدوار شد. از آن جا که سایر اولیای دم حاضر به اظهار نظر دوباره نشدند متهم مطابق قانون از دادگاه درخواست کرد تا سرنوشت وی را تعیین کند. با قبول درخواست سعید، او به میز محاکمه بازگشت و به قاضی زالی و مستشار اسلامی گفت: از کارم پشیمان هستم و باید برای رضایت پدر و مادرم راه درستی انتخاب می‌کردم. در این مدتی که زندان بودم، عذاب وجدان داشتم. وقتی برایم حکم قصاص صادر شد خیلی ترسیده بودم، اما با اعلام گذشت خواهرم به زندگی امیدوار شدم. ۱۱ سال است که با فوت مادربزرگم دایی‌ها و خاله‌هایم هنوز درخواستشان را نگفته و پیگیری نکرده‌اند. به همین دلیل از ریاست دادگاه تقاضا دارم مرا از بلاتکلیفی نجات دهند. هیئت قضایی بعد از آخرین دفاع، متهم را طبق ماده ۴۲۹ با قرار وثیقه تا زمانی که اولیای دم درخواستشان را پیگیری کنند، آزاد کرد.

شکنجه پسر جوان در باغ لواسان

سه متهم به آدم‌ربایی که پسر جوانی را به خاطر اختلاف شخصی ربوده و به باغی در لواسانات برده و شکنجه داده بودند، بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار ما، چند روز قبل پسر جوانی وحشت‌زده به اداره پلیس رفت و از سه مرد جوان به اتهام آدم‌ربایی شکایت کرد. شاکی در توضیح ماجرا گفت: ساعت ۲۲ شامگاه گذشته یکی از بچه‌های محلمان به نام فریدون که از اوباش محل است با من تماس گرفت و گفت: برای انجام کاری به قهوه‌خانه برادرم بروم. او گفت که داخل قهوه‌خانه منتظر من است. وقتی به نزدیکی قهوه‌خانه رسیدم، فریدون همراه یکی از دوستانش راه مرا سد کردند. به فریدون گفتم که قرارمان در قهوه‌خانه بود، اما او از من خواست سوار خودرواش شوم و درباره اختلافی که با او داشتم، حرف بزنم و من هم سوار خودروی او شدم. هنوز مسافت زیادی را طی نکرده بودیم که متوجه شدم او به طرف بزرگراهی در حوالی شمال تهران حرکت کرد. آنها به اعتراض‌های من توجهی نکردند تا اینکه ساعتی بعد مرا به باغی در حوالی لواسانات بردند. داخل باغ با یکی از اراذل محلمان به نام شاپور روبه‌رو شدم که فهمیدم صاحب باغ است. مدتی بود از شاپور خبری نداشتم تا اینکه آنجا دیدم او خودروی خارجی و باغ بزرگی دارد. او وضعیت مالی خوبی نداشت، اما به خاطر کارهای خلافی که انجام می‌دهد یک شبه پولدار شد. شاپور آنقدر وضع مالی خوبی دارد که هر ماه خودروی خارجی مدل بالایی سوار می‌شود و چندین نوچه هم برای خودش استخدام کرده است و من آن روز تازه متوجه شدم که فریدون و دوستش نوچه او هستند. وی ادامه داد: شاپور وقتی مرا دید، سیلی به من زد و از من خواست اختلافم را با فریدون تمام کنم. پس از این فریدون و دوستش مرا به شدت کتک زدند و مرا مجبور کردند به پای شاپور بیفتم و دست و پای او را ببوسم. آنها از کتک خوردن‌ها و بوسیدن دست شاپور هم فیلم گرفتند و در نهایت ساعتی بعد مرا از باغ بیرون انداختند که خودم را به سختی به تهران رساندم.

با طرح این شکایت، پرونده به دستور قاضی آرش سیفی، بازپرس شعبه چهارم برای رسیدگی در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت. در حالی که تحقیقات پلیس اظهارات شاکی را تأیید می‌کرد، مأموران سه مرد جوان را به اتهام آدم‌ربایی و ضرب و جرح بازداشت کردند. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

سرقت دالتون‌ها از ۱۱ بانک کشور

دو برادر که با همدستی خواهرشان به ۱۱ بانک در شهرهای مختلف کشور دستبرد زده‌اند، در شهرستان قزوین بازداشت شدند.

سردار مهدی محمودی، فرمانده انتظامی استان قزوین گفت: امسال دو شعبه مختلف بانک در شهرستان تاکستان قزوین هدف دستبرد سارقان قرار گرفت. بررسی‌های پلیس بعد از وقوع سرقت‌ها به جریان افتاد تا اینکه چند روز قبل مأموران پلیس مرد جوانی را به عنوان مظنون بازداشت کردند. او در بازجویی‌ها به سرقت از این دو بانک با همدستی خواهر و برادرش اعتراف کرد.

سردار محمودی گفت: با نشانی‌هایی که متهم در اختیار پلیس گذاشت، خواهر و برادرش در تبریز و شیراز بازداشت شدند. تحقیقات پلیس نشان داد که این سه خواهر و برادر از مجرمان سابقه‌دار هستند. آنها در بازجویی‌ها به سرقت از ۱۱ بانک در شهرستان‌های بابلسر، تاکستان، اردبیل، اسلام‌آباد غرب و کرمانشاه اعتراف کردند و گفتند که در مجموع یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان به جیب زده‌اند.

آنها همچنین گفتند که برای سرقت از چند بانک در شهرستان‌های تاکستان، کامیاران، بیجار، ایجرود زنجان و عباس‌آباد مازندران اقدام کرده بودند، اما موفق به سرقت نشده بودند.

فرمانده انتظامی قزوین گفت: تحقیقات بیشتر از متهمان ادامه دارد.

کشف تریاک از بار خیار

مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر استان یزد از داخل بار خیار تریلی ۱۵۰ کیلو تریاک کشف کردند.

سرهنگ «محمدحسین ستوده‌نیا» رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر استان یزد درباره این خبر گفت: مأموران پلیس استان ضمن کنترل محورهای خروجی استان یزد اقدام به توقیف یک دستگاه تریلی «هوو» کردند که در بازرسی از این تریلی ۱۵۰ کیلو گرم تریاک را از داخل محموله خیار سبز کشف کردند.

به گفته وی، در این رابطه سه قاچاقچی دستگیر و تحویل مقامات قضایی شدند.

حمله یوزپلنگ به مرد قزوینی

یوزپلنگی در یکی از روستاهای الموت قزوین به مرد ۴۰ ساله‌ای حمله و وی را راهی بیمارستان کرد.

به گزارش «ایسنا»، این حادثه چند روز گذشته رخ داد و مرد ۴۰ ساله که پس از حمله یوزپلنگ به شدت از ناحیه سر، گردن و دست زخمی شده بود و در یک قدمی مرگ قرار داشت برای درمان به مرکز درمانی شهید رجایی قزوین منتقل شد. وی که در این حادثه بیهوش شده بود، با تلاش تیم پزشکی از مرگ حتمی نجات پیدا کرد و پس از ۱۰ روز بستری حالش بهبود یافت.

سقوط تخته سنگ جان پرایدسواران را گرفت

سقوط سنگ روی خودروی پراید در جاده چالوس راننده و سرنشین آن را به کام مرگ کشاند.

زکریا اشکپور، سخنگوی اورژانس مازندران گفت: این حادثه شامگاه پنج‌شنبه در محور چالوس- کرج، در منطقه مجلار نزدیکی رستوران دربند اتفاق افتاد که در جریان آن دو جوان ۲۵ ساله جان خود را از دست دادند. این دومین حادثه مرگبار ریزش سنگ از کوه در محور چالوس به کرج در دو ماه اخیر است که باعث مرگ راننده و سرنشینان خودرو در این محور می‌شود. در دی ماه سال جاری نیز براثر ریزش سنگ روی یک دستگاه خودروی سواری در این منطقه چهار نفر کشته شدند.

باشگاه حقوقی

ازدواج موقت

ازدواج موقت در عرف به صیغه مشهود است. در ازدواج موقت زن و مرد تصمیم می‌گیرند به طور موقت و برای مدت محدودی با یکدیگر ازدواج کنند و پس از پایان مدت اگر مایل به ادامه بودند، عقد ازدواج را تجدید کنند و در صورت عدم تمایل، با پایان مدت از هم جدا می‌شوند. در ازدواج موقت ذکر مدت به صورت دقیق ضروری است. خواه این مدت چند ساعت باشد یا چندین سال. حال اگر عقد نامه‌ای بدون ذکر مدت باشد و یکی از زوجین ادعا کند که عقد دائم بوده و دیگری ادعا کند که موقت بوده، در این صورت اصل دائمی بودن ازدواج است و کسی که مدعی خلاف است، باید آن را ثابت کند. حال اگر در ازدواج موقت، مدت ازدواج کاملاً معین نشده باشد، دادگاه مدت مورد توافق را که به آن یقین حاصل شود، اصل قرار می‌دهد و کسی که مدعی مدت زمان بیشتر است، باید آن را ثابت کند، همچنین در ازدواج موقت، طرفین می‌توانند ابتدای مدت را از زمانی غیر از زمان عقد قرار دهند. به عنوان مثال زوجین می‌توانند عقد را در آبان ماه منعقد کنند. اما زمان ابتدای مدت را فروردین سال آینده قرار دهند. اما اگر زمان ابتدای مدت در عقد ذکر نشود، در این صورت آغاز مدت از همان زمان عقد محسوب می‌شود. نکته دیگر اینکه برای تمدید ازدواج موقت و یا تبدیل آن به ازدواج دائم، باید پس از پایان مدت، مجدداً صیغه عقد جاری شود، اما اگر قبل از پایان مدت، زوجین تصمیم به تبدیل مدت و یا تبدیل آن به ازدواج دائم بگیرند، ابتدا زوج باید مدت زمان باقیمانده از عقد اول را ببخشد و سپس دوباره صیغه اجرا شود اما در این صورت نیازی به انقضای عده نیست، به شرط آنکه عقد دوم نیز میان همان زن و مرد منعقد شود.